

## Investigating the Contexts, Causes, and Consequences of Underdevelopment in Kurdistan Province (A grounded theory in the field of agriculture)

### Abstract

This research aims to investigate the underdeveloped areas in the agricultural sector of Kurdistan province, employing the theoretical frameworks of economic-social underdevelopment, local development, and grounded theory. The primary objective is to propose solutions to activate key sectors of the province's development and overcome existing obstacles. The research methodology utilizes grounded theory, with data gathered through semi-structured interviews conducted with experts, elites, activists, and officials in the agricultural sector of Kurdistan province. Thematic analysis is employed to analyze the collected data. The findings reveal that Kurdistan province is characterized by underdevelopment in the agricultural domain, and the main achievement of this research is the development of a paradigmatic model illustrating the underdevelopment of agriculture in the province. According to this model, the underdevelopment of agriculture in Kurdistan province can be attributed to the interplay between traditional livelihood activities and modern practices, as well as the neglect of agricultural capacities in the province and a lack of coordination among development organizations. Factors contributing to underdevelopment in the agricultural sector include inheritance laws, land fragmentation, and traditional agricultural systems. Additionally, inadequate continuous training, limited access to training and promotional workshops, insufficient financial capacity of the private and public sectors for investment in the agricultural domain, stringent loan conditions, and a lack of participation and investment culture in the industrial sector, particularly in agricultural and processing industries, act as significant intervening factors in the underdevelopment process. The consequences of this situation encompass the neglect of agricultural product processing and branding industries in the province, the absence of a driving force for the sector's development, and the marginalization of agricultural capacities in the province's overall development process. To address these issues, the study recommends the adoption of substantive development policies and programs, focusing on enhancing production efficiency and diversifying agricultural products and activities.

**Keywords:** *Kurdistan province, underdevelopment, local development, agriculture, grounded theory.*

## بررسی زمینه‌ها، دلایل و پیامدهای توسعه‌نیافتگی در استان کردستان (ارائه‌ی نظریه‌ی داده بنیاد در حوزه کشاورزی)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی زمینه‌های توسعه‌نیافتگی استان کردستان در حوزه‌ی کشاورزی مبتنی بر نظریه‌های توسعه‌نیافتگی اقتصادی-اجتماعی، توسعه‌ی محلی و نظریه‌ی زمینه‌ای و همچنین ارائه‌ی راهکارهایی جهت فعال‌نمودن حوزه‌های پیشران توسعه‌ی استان و مانع‌زدایی از آن‌هاست. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر نظریه داده بنیاد، ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت‌یافته با کارشناسان، نخبگان، فعالان و مسئولین حوزه‌ی کشاورزی استان کردستان و روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمونی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استان کردستان در حوزه‌ی کشاورزی در وضعیت توسعه‌نیافتگی قرار دارد؛ مدل پارادایمیک توسعه‌نیافتگی کشاورزی استان کردستان اصلی‌ترین دستاورد این پژوهش است. بر اساس این مدل، توسعه‌نیافتگی کشاورزی استان ناشی از ارتباط مستقیم و دوسویه‌ی فعالیت‌های معیشتی و سنتی با فعالیت‌های مدرن و همچنین عدم توجه به ظرفیت‌های کشاورزی استان و عدم هماهنگی سازمان‌های متولی توسعه است. زمینه‌های توسعه‌نیافتگی کشاورزی را باید در عواملی همچون قانون ارث‌بری و تقطیع اراضی و نظام سنتی کشاورزی جستجو کرد. ضعف در آموزش‌های مستمر، کمبود کارگاه‌های آموزشی و ترویجی، توان مالی ضعیف بخش خصوصی و مردمی در استان جهت سرمایه‌گذاری در این حوزه، شرایط سخت‌گیرانه در ارائه وام و تسهیلات به کشاورزان، نبود فرهنگ مشارکت و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به ویژه صنایع کشاورزی و تبدیلی در زمره عوامل مداخله‌گر نقش مهمی در فرایند توسعه‌نیافتگی در حوزه‌ی کشاورزی ایفا می‌کنند. پیامدهای این وضعیت عدم‌توجه به صنایع تبدیلی و برندسازی محصولات کشاورزی استان، پیشران نبودن این بخش در توسعه استان و در نهایت به‌حاشیه‌راندگی ظرفیت‌های حوزه کشاورزی در فرآیند توسعه استان بوده‌اند. مهم‌ترین راهبردهای خروج از این وضعیت اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای (نه شعارگونه) در راستای افزایش بهره‌وری تولید و تنوع‌بخشی به محصولات و فعالیت‌های کشاورزی خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: استان کردستان، توسعه‌نیافتگی، توسعه‌ی محلی، کشاورزی، نظریه داده بنیاد.

دانشیار

## مقدمه

امروزه هر طرح یا برنامه‌ای که مدعی مفهوم‌پردازی مقوله‌ی توسعه یا اجرای این فرایند در عمل باشد، ناگزیر باید اهداف متنوعی را دنبال کند و به مسائل و پرسش‌هایی که طی دهه‌ها در ادبیات این حوزه مطرح شده است پاسخ دهد، اهدافی مثل کمک به افراد اجتماع محلی برای شناسایی و برطرف کردن نیازها و خواسته‌های‌شان (Casey, 1999)، حل مسائل محلی، برآورده کردن نیازهای روزمره و ایجاد رفاه و آسایش انسان (Vargas, 2000: 3)، توانمندساختن اجتماعات محلی به‌حاشیه‌رانده شده با ظرفیت‌سازی، ایجاد اعتماد و پایداری شبکه‌های موجود در اجتماع محلی و بازسازی ساختارهای فیزیکی، اقتصادی، و اجتماعی آن (Walker, 1982: 2) همگی در مجموعه‌ای می‌گنجد که بناست به‌میانجی برنامه‌های توسعه محقق شوند و چالش‌ها یا مسائلی‌اند که تحقق توسعه فقط به‌واسطه‌ی مرتفع‌شدن آن‌ها جامه‌ی عمل به خود می‌پوشد. از طرفی نیز رویکردهای نوین توسعه به تاسی از سر ویلیام آرتور بر ظرفیت‌های مستقل محلی برای رشد و توسعه تأکید دارند؛ به عبارتی گفته می‌شود که کشورهای توسعه‌نیافته و یا درحال توسعه هرآنچه که برای رشد نیاز است را در خود دارند و در درازمدت توسعه‌ی آنها به وجود و تأثیرگذاری کشورهای توسعه‌یافته وابسته نیست، آن‌ها فقط باید از ظرفیت‌های محلی و بومی خود به درستی و با برنامه‌ریزی صحیح بهره‌برداری کنند (Griffin, 1999: 1).

در همین راستا ایران با داشتن نزدیک به هفت دهه تجربه‌ی برنامه‌ریزی (۱۳۲۷ تا ۱۳۹۸) در زمره‌ی پرسابقه‌ترین کشورهای درحال توسعه است که نه تنها هنوز به هدف‌های متعارف رشد و توسعه‌ی اقتصادی دست نیافته بلکه به‌نظر می‌رسد که در مقایسه با آغاز دوره‌ی برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اقتصادی در کشور، کفه‌ی ترازوی عوامل هم‌سو با الزامات توسعه‌ی اقتصادی به سوی عوامل منفی سنگین‌تر شده است. علاوه بر این با استناد به بررسی‌های تجربی، تا حد زیادی این قضیه اثبات شده که توسعه‌نیافتگی مناطق پیرامون و حاشیه‌ی کشور متأثر از شیوه‌ی سیاست‌گذاری‌های نامناسب و نامتوازن توسعه بوده است (Ebrahimpour, 2000). لذا مسئله‌ی محوری پژوهش حاضر حول این پرسش کلی صورتبندی شده است که عمده‌ترین زمینه‌ها و علل فرایند توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی و خاصه استان کردستان کدام‌اند و چگونه می‌توان ظرفیت‌های بالقوه‌ی موجود در این منطقه را به‌منظور تحقق تدریجی توسعه‌ی محلی و خودجوش فعال نمود؛ ما به میانجی بررسی حوزه‌ی کشاورزی در استان کردستان به بررسی مهم‌ترین زمینه‌ها و علل فرایند مذکور خواهیم پرداخت. استان کردستان از منظر شاخص‌های توسعه اقتصادی متوازن (azizi, abdi, & rad, 2015; Hajineshzhad & Ahmady, 2017; Jalaeipour & Bayangani, 2011) در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. نتایج تحقیقات گسترده‌ی کشور نشان داده‌اند که استان کردستان به همراه سیستان و بلوچستان، ایلام و آذربایجان غربی در رتبه‌های پایین توسعه یافتگی اقتصادی، اجتماعی قرار دارند (Fallah Haghghi & et al., 2022; Sadeghi Rad & et al., 2014). این وضعیت اگرچه به‌ظاهر معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی است، چراکه خود پدیده مرزی بودن بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد، اما درواقع معلول سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های ناکارآمد اقتصادی، سیاسی و... است که طرد نهادی و ساختاری این مناطق را به همراه داشته است (H Daneshmehr & al., 2020).

این درحالی‌ست که استان کردستان به مثابه یک استان مرزی موقعیت و پتانسیل‌های ویژه‌ای برای برخورداری از توسعه‌ای پایدار و اقتصادی پویا دارد. از طرفی اقتصاد مناطق مرزی خود می‌تواند نقشی اساسی در ترقی، پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و همگرایی اقتصادی نواحی مرزی داشته باشد؛ درواقع ساختارهای خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقاط مرزی ایجاب می‌کند که راهبرد کلان توسعه‌ی این مناطق، براساس حداکثر استفاده از امکانات موجود تنظیم شود؛ به گونه‌ای که آثار مثبت آن بتواند بر آثار سوء ناشی از مهاجرت و تخلیه‌ی نقاط مرزی، و رواج معاملات غیرمرزی تأثیر بگذارد (Hossein Daneshmehr & al., 2022).

در همین راستا و در حوزه‌ی کشاورزی، استان کردستان یکی از قطب‌های تولید محصول کشاورزی در غرب کشور است. گرچه در بخش کشاورزی تا حدودی از پتانسیل استان کردستان استفاده شده است (رتبه‌ی چهارم گندم، سوم سیب

زمینی) اما این استفاده‌ها کارشناسی شده نبوده و مزیت نسبی کاشت محصولات رعایت نشده است و منجر به ایجاد تنشهای آبی، بحران‌های زیست محیطی شده و بازدهی و میزان تولید محصول بالایی هم نداشته است (PSRC, 2015). به عبارتی در استان کردستان، نقش و اهمیت بخش کشاورزی نقشی اساسی و به مراتب حیاتی‌ست. بالغ بر ۱۲۱۷۰۳۸ هکتار از اراضی استان کردستان به اراضی کشاورزی تعلق دارد که از این میزان ۱۴۲۰۷۶ هکتار زمین آبی و ۱۰۷۴۹۶۲ هکتار زمین دیم است. همچنین، سطح زیرکشت محصولات زراعی ۷۷۳۱۶۱ هکتار و ۴۹۲۰۸ هکتار نیز شامل سطح زیر کشت محصولات باغی است (AVKP, 2019)؛ به عبارتی دیگر میزان اراضی زیر کشت دیم (رتبه‌ی اول کشور از نظر سطح زیر کشت) بیشتر از اراضی زیر کشت آبی است و این در صورتی است که کردستان سرشاخه پنج حوزه آبخیز کشور است (SPKP, 2019).

**جدول ۱. نمای کلی کشاورزی استان کردستان**

اراضی کشاورزی، مراتع و جنگل استان							
جنگل		مرتع		اراضی کشاورزی		مساحت (هکتار)	
۳۷۴۰۸۴		۱۴۱۴۰۰۰		۱۱۷۳۸۸۹			
بهره برداران بخش های مختلف کشاورزی استان							
بخش های کشاورزی	پرورش ماهی	پرورش زنبور عسل	پرورش دام سبک	پرورش دام سنگین	کشت گلخانه ای	باغداری	زراعت
تعداد بهره‌برداران	۱۷۱	۳۴۰۷	۳۱۰۵۵	۲۸۹۳۲	۴۴	۵۱۷۷۵	۸۸۳۱۶
مساحت و نوع اراضی مورد بهره‌برداری استان کردستان							
باغ و قلمستان				اراضی آبی			
دیم		آبی		کل		کل	
۵۶۹۰		۲۲۹۹۷		۲۸۶۸۸		۱۰۳۳۱۹۳	

منبع: (Statistical Yearbook of Kurdistan Province 2015 and statistical calculations of researchers)

درواقع مرور کلی آمار و ارقام بخش کشاورزی نشان‌دهنده این است که کشاورزی در استان کردستان یکی از اصلی‌ترین محورهای توسعه اقتصادی است و عدم استفاده از ظرفیت‌های این بخش با توسعه‌نیافتگی استان در ارتباط است. وضعیت موجود نشان‌دهنده عدم استفاده از تمامی ظرفیت‌های اقتصاد کشاورزی استان است، به گونه‌ای که به‌ویژه نسبت و تفاوت چشمگیر میان اراضی دیم و آبی، میزان تفاوت کشت دیم و کشت آبی، عدم وجود تنوع فعالیت‌های کشاورزی، ضعف زیرساخت‌هایی همچون خدمات پشتیبان و صنایع تبدیلی و تکمیلی و... نشان‌دهنده عدم استفاده از ظرفیت‌های این بخش حیاتی اقتصاد کشور و استان است. به بیان دیگر، کشاورزی به عنوان یک عامل مؤثر در توسعه، یک فرصت و ظرفیت مناسب در استان به شمار می‌رود که با وضعیت توسعه‌نیافتگی استان همخوانی ندارد. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی مهمترین زمینه‌ها، دلایل و پیامدهای توسعه‌نیافتگی و همچنین ظرفیت‌های محلی توسعه در حوزه‌ی کشاورزی در استان کردستان و ارائه‌ی راهبردهای خروج از این وضعیت در راستای افزایش بهره‌وری تولید و تنوع‌بخشی به محصولات و فعالیت‌های کشاورزی است.

## پیشینه نظری پژوهش

امروزه پارادایم‌های نوین توسعه خصوصاً توسعه پایدار بر نقش و جایگاه رویکردهای مبتنی بر توسعه‌ی محلی و مشارکتی به عنوان یکی از راهکارهای مقابله با توسعه‌نیافتگی تأکید بسیار دارند. رویکردهایی همچون توسعه‌ی مشارکتی، مشارکت در فرایندهای توسعه را متغیر مهمی در توسعه‌ی محلی برمی‌شمارد. به این صورت که مشارکت مردم که دربرگیرنده فعالیت داوطلبانه و ارادی است باید کلیه جنبه‌های فرایند توسعه، یعنی تصمیم‌گیری، اجرا، بازنگری و ارزشیابی و سهیم‌شدن در سود را شامل شود. دیدگاه‌های متأخرتر در توسعه‌ی مشارکتی (Crocker & Kaufman, 2006; Sen, 2003) بر این باورند که توسعه اجتماع محلی مستلزم وجود جامعه محلی مشارکت‌پذیر و دارای سرمایه اجتماعی بالا و در کنار آن دولتی کارآمد است که بتواند با نقش حمایتی خود، اهداف توسعه‌ی محلی را فراهم نماید. علاوه بر این در اوایل دهه ۱۹۸۰ پارادایم توسعه‌ی پایدار روستایی به دنبال مسائلی همچون نقش نهادهای محلی در توسعه‌ی روستایی، عدم توجه رهیافت‌های قبلی توسعه‌ی روستایی به مسائل زیست‌محیطی، زنان، کودکان، فقرا و اقلیت‌ها مطرح شد (Rafeefar & al., 2012: 20).

از طرفی نیز نقش و جایگاه بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصاد و خصوصاً اقتصاد روستایی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ تاریخ نشان داده است که منشاء توسعه‌یافتگی در کشورهای توسعه‌یافته جهان، بر اساس مازاد کشاورزی صورت گرفته و بخش کشاورزی، به لحاظ تنها بخش اقتصادی جوامع در مراحل اولیه توسعه، عمده‌ترین نقش را داشته است (Kheirollahi, Alibaygi, & Rostami Ghobadi, 2022; Rohani & et al., 2021: 36). این بخش ضمن مشارکت در ایجاد اشتغال، تولید ناخالص ملی، تأمین مواد اولیه صنایع مختلف و تأمین ارز نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی اقشار مختلف جامعه و ایجاد بازار مصرف برای تولیدات سایر بخش‌ها دارد. به اعتقاد اغلب کارشناسان توسعه، رشد و توسعه بخش کشاورزی پیش شرط توسعه اقتصادی است (Alizadeh, 2010). تودارو کشاورزی را یکی از ویژگی‌های توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی کشورها برمی‌شمرد و معتقد است که پایین‌بودن میزان بهره‌وری کشاورزی یکی از ویژگی‌های جوامع و کشورهای توسعه‌نیافته است (Todaro, 1977: 19)؛ چراکه عدم توسعه‌یافتگی صنعتی در کنار اشتغال بالا در بخش کشاورزی با راندمان تولید پایین، روستاهای کوچک، وضعیت نامطلوب منابع پایه‌ای، فقدان ساختارهای مطلوب حمل و نقل، سطح پایین رفاه و امنیت (Bacsi & Kovács, 2006: 486)، توسعه‌نیافتگی را ایجاد و تشدید می‌کند. بر همین اساس بود که در اواخر قرن بیستم متفکرین توسعه به دنبال استراتژی‌هایی کشاورزی‌محور برای توسعه بودند، استراتژی انقلاب سبز یکی از این استراتژی‌های بود (Griffin, 1999: 144). انقلاب سبز نشان دهنده تلاش توسعه‌محوری بود برای جایگزینی تغییرات فنی به جای تغییرات نهادی و استفاده از پیشرفت علمی به عنوان جایگزینی برای پیشرفت اجتماعی است. به‌جای اصلاحات ارضی در حوزه‌ی کشاورزی، جهان سوم تشویق شد تا بر معرفی و گسترش سریع انواع محصولات غذایی، به‌ویژه گندم و برنج تمرکز کند (همان: ۱۵۱). همچنین در این استراتژی بر نقش حمایتی دولت تأکید شده است، فراهم‌کردن زیرساخت‌های ملزوم اعم از حمل‌ونقل، ارتباطات، برق، و همچنین حمایت مشخص از اقتصاد و کشاورزی روستایی با تأکید بر سیستم‌های تأمین منابع و آموزش روستای، مهم‌ترین بعد نهادی این استراتژی است (همان). در هر حال توسعه فرایندی است چند بعدی و معطوف به زمان، که با اتخاذ رهیافت‌های متناسب با شرایط خاص هر جامعه در پی ایجاد یک جامعه توانمند و آگاه با هدف حذف موانع و مشکلات زندگی و در یک کلام، ارتقا کیفیت و بهبود زندگی بوده و تنها راه نائل‌شدن به آن، تحقق حکمرانی و مدیریت خوب می‌باشد؛ مدیریتی که ظرفیت‌های محلی توسعه را در نظر بگیرد و بر اساس این ظرفیت‌ها و مزیت‌ها سیاست‌های توسعه‌ای را تهیه، تدوین و اجرایی کند.

## پیشینه تجربی پژوهش

قادرزاده و همکاران (Ghaderzadeh & et al., 2015) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده از شاخص‌های عمده بخش کشاورزی» با استفاده از ۳۱ شاخص عمده و بر اساس روش کمی

به تحلیل مسئله پرداختند. برای تحلیل داده‌ها از تکنیک TOPSIS و تحلیل خوشه‌ای و برای نمایش فضایی میزان توسعه‌یافتگی از نرم افزار GIS نمودند. بر اساس نتایج تحقیق، شهرستان‌های استان کردستان در چهار سطح سطح قرار گرفتند، بطوریکه شهرستان‌های مریوان و کامیاران به ترتیب با امتیازهای ۰/۴۹۱ و ۰/۴۷۵ در بالاترین درجه توسعه‌یافتگی و سروآباد و بانه با امتیازهای ۰/۳۴۰ و ۰/۳۴۳ در پایین‌ترین درجه توسعه‌یافتگی کشاورزی جای گرفتند. یافته‌های پژوهش حاکی از توسعه نامتعادل و نامتوازن شهرستان‌های استان کردستان در بخش کشاورزی و شاخص‌های آن است. بنابراین، توجه به توزیع متعادل توسعه در بخش کشاورزی استان با تأکید بر شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش، بعنوان راهکار پیشنهاد گردید.

سیف‌الهی و محمدخانی (Seifollahi & Mohammad khani, 2023) در مقاله‌ی «طراحی مدل موانع توسعه زنجیره‌های تولیدی محصولات کشاورزی (مطالعه موردی: باغات مشکین شهر)» به بررسی موانع زنجیره‌های تولیدی محصولات کشاورزی استان اردبیل پرداخته‌اند. از نظر آنان ریسک تأمین منابع نهاده، ضعف مقررات و ضوابط در تأمین نهاده، موانع اطلاعاتی تولید، موانع راهبردی تولید، موانع رقابت در تولید، خطرات زیست‌محیطی، برنامه‌ریزی - مدیریتی، مالی - اعتباری، موانع فنی - تکنیکی، موانع هزینه توزیع محصول، موانع فقدان مقررات در سیستم توزیع و موانع فروش؛ موانع مربوط به بخش تولید، از مهمترین موانع توسعه زنجیره‌های تولیدی محصولات کشاورزی هستند.

رشیدی (Rashidi, 2020) در مقاله‌ی «توسعه در کردستان: توسعه ناموزون در حین تغییرات هویتی» از دیدگاهی جامعه‌شناختی، به مطالعه توسعه اقتصادی-اجتماعی و هویت جمعی در کردستان با روش نظریه زمینه‌ای پرداخته است. مطالعات میدانی محقق در گام نخست پنج حوزه زیر را برجسته‌تر نمود: سلطه هویت غربی بر عناصر هویت سنتی، بازسازی هویتی و عام‌شدن نسبی آن، بروز شواهد توسعه ناموزون، توسعه ناهمگون، و تقویت هویت کردی. محقق پس از تلخیص، اصلاح و بازسازی داده‌ها، فرآیندهای کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) را انجام داده و ۸۸۳ مقوله جزء و ۲۷۹ مقوله عمده استخراج کرده و در نهایت ۳۷ مقوله به‌دست آمده است. عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و راهبردهای کنش و پیامدهای کنش، پس از بازگشت‌های لازم به افراد، گروه‌ها و نخبگان و انجام اصلاحات و دقت‌ورزی‌ها، به‌دست آمده است. در نهایت، پدیده اصلی «بروز ظاهری عناصر توسعه در حین تغییرات بنیادین در هویت سنتی» و یافته نظری تحقیق، یعنی «توسعه بحران‌زا و شکل جدید هویتی» متجلی شده است.

دی. پی. پراسادا (Prasada, 2022) در مقاله‌ی «کشاورزی و توسعه اقتصادی» به عقب‌ماندگی بخش کشاورزی و تأثیر ناکارآمدی‌های سیستماتیک بخش کشاورزی بر توسعه اقتصادی کشورهای مختلف می‌پردازد. از نظر او کشورهای توسعه‌نیافته جهت‌گیری‌های سیاستی متفاوتی را برای کشاورزی تجربه کرده‌اند؛ از طرفی نیز پیوند مدرنی که کشاورزی را به بدنه‌ی توسعه‌ی اقتصادی متصل می‌کند همچون مجموعه‌ای از نوآوری‌ها در ارزش افزوده و با پیوند زنجیره‌های تأمین به بازارهای خاص در نظر گرفته می‌شود. از نظر او چالش‌ها و زمینه‌های توسعه‌نیافتگی با ضعف در تکنولوژی‌های مناسب، سیاست‌های آگاهانه، نهادهای شفاف، و مهمتر از همه، بازارهای کارآمد در ارتباط است.

وسیم‌خان و همکاران (Khan, Jamshed, & Fatima, 2020) در مقاله‌ی «سهم کشاورزی در رشد اقتصادی: مطالعه موردی بنگال غربی (هند)» به تلاش برای تعیین اهمیت کشاورزی در رشد اقتصادی بنگال غربی پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که بخش کشاورزی حتی پس از کاهش سهم در تولید ناخالص داخلی دولت در طول سال‌ها، به‌عنوان عامل مهمی در پیشبرد رشد اقتصادی بنگال غربی ظاهر شده است. تجزیه و تحلیل تجربی آنان نشان می‌دهد که کشاورزی دارای پیوندهای علی طولانی‌مدت با صنعت، خدمات و رشد اقتصادی کلی در بنگال غربی است.

سیدعلی و همکاران (Raza, Ali, & Mehboob, 2012) در مقاله‌ی «نقش کشاورزی در رشد اقتصادی در پاکستان» استدلال می‌کنند که محصولات کشاورزی و دام در مجموع ۹۱ درصد سهم اقتصاد را شامل می‌شوند که نشان‌دهنده سهم قابل توجهی برای عملکرد در این بخش است؛ این درحالی‌ست که توجه زیادی به افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی

نمی‌شود. عمده دلایل این امر میزان پایین سرمایه‌گذاری در این بخش، کمبود امکانات و سهم زیاد نیروی کار آموزش ندیده و غیرماهر است.

آنچه پژوهش حاضر را هم ضروری و هم متمایز می‌کند جنبه‌ی کاربردی-سیاست‌گذارانه و تأکید آن بر بُعد توسعه‌ی محلی و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای توسعه‌ی توسعه‌ی است؛ این ایده که توسعه‌نیافتگی حوزه‌ی کشاورزی ناشی از عدم توجه به ظرفیت‌های محلی است و همزمان توسعه‌نیافتگی در ابعاد دیگر را نیز تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد ضرورت بازنگری در سیاست‌های توسعه‌ی را گوشزد می‌کند که وجه تمایز و کاربردی پژوهش حاضر است.

## روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش داده‌بنیاد یا زمینه‌ای استفاده شده است. نظریه زمینه‌ای روشی نظاممند و دقیق برای مفهوم‌سازی در راستای فهم پدیده‌های پیچیده و چند سطحی است. نظریه‌ی زمینه‌ای آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به طور منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند (Strauss & Corbin, 1990: 34). این نظریه، دارای سه عنصر اصلی است که عبارتند از: مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا. مفاهیم، واحدهای اساسی تحلیل در نظریه زمینه‌ای هستند، که از "کدگذاری باز" داده‌های خام به دست می‌آیند. مقوله‌ها، در سطح بالاتر و تجریدی‌تری از مفاهیمی که نمایش می‌دهند، قرار دارند. آن‌ها نیز به همان فرایند تحلیلی‌ای که مفاهیم سطح پایین ایجاد شده‌اند، یعنی از طریق انجام مقایسه‌ها برای روشن کردن شباهت‌ها و اختلاف‌ها، ساخته می‌شوند. مقوله‌ها ابزارهای فراهم می‌کنند که با آن‌ها می‌توان نظریه را انسجام بخشید. به عبارت دیگر، رمزگذاری و گروه‌بندی مفاهیم و مقایسه مداوم آن‌ها برای رسیدن به سطح تجرید بالاتر، مقوله‌ها را در مرحله "کدگذاری محوری" به وجود می‌آورد. نمونه پژوهش کیفی و روش‌های نمونه‌گیری در این پژوهش عبارتند از نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری نظری و نمونه‌گیری با حداکثر تنوع (Mohammadpour, 2011; Strauss & Corbin, 1990: 219). بنابراین، نمونه‌ی مورد مطالعه شامل مدیران و سیاست‌گذاران استانی، نخبگان دانشگاهی و فعالان و کارشناسان سازمان‌های درگیر با مسائل مربوط به توسعه کشاورزی کردستان است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه‌ی کیفی و بحث گروهی نیمه‌ساخت‌یافته است (Strauss & Corbin, 1990: 107-110)؛ زمان مصاحبه‌ها از ۶۰ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه متغیر بود. فرایند مصاحبه پس از ۱۷ مصاحبه به «اشباع نظری» رسید (جدول ۱). به لحاظ تکنیک نیز، از تکنیک تحلیل تماتیک (مضمونی) استفاده می‌شود. در این نوع تکنیک تحلیلی، سعی بر برکشیدن مضامین یا کُد از طریق کُدگذاری محتوای مصاحبه‌های انجام شده است (Flick, 2022: 329; Mohammadpour, 2011: 123; Strauss & Corbin, 1990: 227-330). بنابراین در این پژوهش با استفاده از روش داده‌بنیاد به شناسایی زمینه‌ها، علل و پیامدهای توسعه‌نیافتگی در استان کردستان پرداخته و مشخص خواهد شد که نخبگان، مدیران و افراد مطلع چه دیدگاه‌هایی در رابطه با توسعه و توسعه‌نیافتگی و ارتباط آن با حوزه‌ی کشاورزی در استان دارند. در انتها نیز یک مدل مفهومی برای نشان دادن رابطه میان متغیرها، ارائه شده است.

جدول ۲. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت	سن	جنس	تحصیلات
۱	کارشناس حوزه کشاورزی	۳۹	مرد	کارشناسی ارشد
۲	کارشناس حوزه کشاورزی	۴۳	مرد	کارشناسی
۳	کارشناس حوزه کشاورزی	۴۵	مرد	کارشناسی
۴	کارشناس حوزه کشاورزی	۵۵	مرد	کارشناسی
۵	کارشناس حوزه کشاورزی	۴۰	زن	کارشناسی
۶	کارشناس حوزه کشاورزی	۴۰	مرد	کارشناسی ارشد

کارشناسی	زن	۴۱	کارشناس حوزه کشاورزی	۷
کارشناسی ارشد	زن	۳۸	کارشناس حوزه کشاورزی	۸
کارشناسی ارشد	مرد	۴۰	کارشناس حوزه کشاورزی	۹
دکتری	مرد	۴۷	نخبه دانشگاهی	۱۰
دکتری	زن	۴۰	نخبه دانشگاهی	۱۱
دکتری	مرد	۵۱	نخبه دانشگاهی	۱۲
دکتری	مرد	۴۴	نخبه دانشگاهی	۱۳
کارشناسی	مرد	۳۶	فعال حوزه تعاونی‌های کشاورزی	۱۴
کارشناسی	مرد	۳۹	فعال حوزه تعاونی‌های کشاورزی	۱۵
کارشناسی	مرد	۴۵	فعال حوزه تعاونی‌های کشاورزی	۱۶
کارشناسی ارشد	مرد	۴۰	فعال حوزه تعاونی‌های کشاورزی	۱۷

## یافته‌های پژوهش

این بخش به ارائه‌ی خلاصه‌ی تماتیک مصاحبه‌های انجام‌شده و تحلیل وضعیت توسعه‌نیافتگی میدان مورد مطالعه می‌پردازد. تحلیل این وضعیت مبتنی است بر تحلیل داده‌های میدانی گردآوری شده بر اساس تمهیدات نظری روش زمینه‌ای. سرآخر نیز با ارائه‌ی چشم‌اندازها و سیاست‌گذاری‌های کلی توسعه برنامه‌هایی در راستای تحرک بخشی به وضعیت موجود و استفاده از ظرفیت‌های موجود استان ارائه خواهد داد. تحلیل تماتیک داده‌های گردآوری شده منجر به استخراج ۲۰ مقوله اولیه و ۵ مقوله ثانویه شد (جدول ۳).

جدول ۳. تحلیل تماتیک موانع بخش کشاورزی استان کردستان

مقوله هسته	مقولات ثانویه (۵ مقوله)	مقولات اولیه (۱۶ مقوله)	مفاهیم (۸۲ مفهوم)
توسعه‌نیافتگی کشاورزی استان کردستان	عدم توجه به صنایع تبدیلی و برندسازی محصولات	ارزان فروشی و خام فروشی محصولات	نبود صنایع تبدیلی، ارزان فروشی محصولات باغی، عدم کارشناسی باغات، ارزان فروشی محصولات، نبود بازار مطمئن، عدم صادرات به موقع محصولات، شرایط خشکسالی و نبود آب کافی، نبود آموزش باغداری و ارائه برنامه‌های منسجم آموزشی، شکست طرح‌های توسعه باغات، نبود نهال و عدم تأمین آب برای این طرح‌ها، کمبود پیگیری، کاهش مشارکت مردمی، قطعات کوچک، اراضی بالادستی بدون آب، وجود مشکلات ارث بری و کوچک شدن باغات، نبود جاده بین مزارع، کاربری تفریحی باغات، رشد بی‌سابقه قیمت زمین و سرمایه‌ای شدن اراضی باغی، شرایط ناهموار اراضی در غرب استان، دلال بازی، نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی، سود کم، تورم شدید اقتصادی، واردات بسیاری از صنایع تولیدی، افزایش بخش خدمات، سیاست‌های متناقض جهاد کشاورزی، سیاست‌های موقتی و برنامه‌ها کوتاه مدت، رانت بازی، کاهش نظارت
		نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی	
		فاسد شدن محصولات و عرضه در فصول مختلف سال	
		کمبود شدید فرآوری باغی	
	ضعف مدیریتی و همکاری‌های بین‌سازمانی	کمبود صنایع بسته‌بندی	
		سیاست‌های متناقض و کوتاه مدت نهادهای دولتی	
رانت بازی و عدم تخصیص منابع به تولیدکنندگان واقعی			
	کمبود همکاری و هماهنگی بین نهادهای ذی ربط		
	کمبود همکاری مردم و نهادها		
		مشکلات ارث بری و کوچک شدن باغات	



فعالیت‌های معیشتی و سنتی	باغداری معیشتی	دولتی، ضعف صادرات به کردستان عراق، کمبود همکاری نهادهای دولتی با همدیگر، نبود کارگروه ویژه، نبود همکاری‌های لازم میان تولیدکنندگان و نهادهای دولتی، کمبود بازاریابی، عدم فرآوری محصولات، نبود تبلیغات و برندسازی، نبود انگیزه تولید، ارزان فروشی محصولات، فراوانی محصولات، تنوع محصولات، نبود بازار تضمینی، فاسد شدن محصولات دامی و کشاورزی و باغی، کاهش سود حاصل از کشاورزی و دامداری و زراعت و... کمبود سوله و باسکول، کمبود صنایع فراوری محصولات باغی و زراعی، نبود دستگاه‌ها و مکانیزم جدید برای تبدیل و فرآوری محلات، کمبود سرمایه گذاری، نبود صنایع دسته بندی، نبود صنایع مادر، کمبود مشارکت مردم و بخش خصوصی، ضعف راه‌ها و جاده‌ها، کمبود خطوط هوایی و حمل و نقل ضعیف هوایی، دور بودن کارخانجات فراوری باغی و دامی و... کمبود آب و برق و گاز در مراکز صنعتی، عدم توجه به زیرساخت‌های شهرک‌ها، عدم توزیع صنایع در کشور و در استان، هزینه بالای ایجاد صنایع تبدیلی، گرانی مصالح و تجهیزات، واردات صنایع و هزینه بالای سرمایه گذاری، توان مالی کم مردم و سرمایه گذاران بومی، عدم امنیت و ریسک بالای سرمایه‌گذاری، کاهش تعهدات مالی دولت و بانک‌ها، کاهش تسهیلات دولتی، کمبود هماهنگی و همکاری نهادی، وجود تداخلات نهادی، نبود فرهنگ مشارکتی در سرمایه گذاری در بخش صنعت محصولات کشاورزی و باغی، عدم تشویق دولت به و فراهم نکردن شرایط و بستر سرمایه‌گذاری، کاهش همکاری بانک‌ها، کاهش اعتبارات بانکی و وام‌ها.
	کمبود آموزش‌های مستمر و عدم توجه به زنبورداری در رسانه و ...	
	کمبود کارگاه‌های آموزشی	
ضعف آموزش و ترویج	توان مالی ضعیف بخش خصوصی و مردمی	
	عدم مساعدت بانکی و تخصیص وام و تسهیلات بانکی	
	نبود فرهنگ مشارکت و سرمایه گذاری در بخش صنعت به ویژه صنایع کشاورزی	
مسئله تسهیلات بانکی و سرمایه‌گذاری		

### شرایط زمینه‌ای توسعه نیافتگی

عوامل زمینه‌ای که مجموعه‌ای از ویژگی‌های است که به یک پدیده ویژه دلالت می‌کند و محل وقوع و اتفاق مرتبط با پدیده محوری می‌باشد که در آن کنش متقابل برای پاسخ، اداره و کنترل پدیده صورت خواهد گرفت. شرایط زمینه‌ای که موجب پیدایی مقوله محوری شده است "سیطره‌ی فعالیت‌های کشاورزی سنتی و معیشتی" است. یکی از جدی‌ترین موانع پیش‌روی کشاورزی، دامداری و مابقی فعالیت‌های پیرامون کشاورزی در استان کردستان معیشتی و سنتی بودن آن‌ها است. در بخش‌هایی از استان - عمدتاً شرق استان - که کشاورزی که منبع اصلی درآمد خانوارها است، به صورت سنتی و با درجات پایینی از ضریب مکانیزاسیون انجام می‌گیرد و در بخش‌های غربی استان نیز که این فعالیت‌ها - به ویژه باغداری - جزو فعالیت‌های مکمل اقتصاد خانوارها و حتی گاه‌ها فعالیت اصلی آن‌ها به شمار می‌رود نیز بیشتر شکل و شمایل معیشتی و خودمصرفی را دارد:

«با توجه به موقعیت جغرافیایی و همچنین وضعیت فقر خانواده‌ها اقتصاد کشاورزی یک اقتصاد معیشتی و سنتی است. از طرفی دیگر به دلیل اینکه در استان ما سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی خیلی

کم اتفاق افتاده است بنابراین ما شاهد این هستیم که کشاورزی به صورت سنتی باقی بماند خانواده‌ها در اینجا کم اندازه نیاز خودشون کشاورزی می‌کنند بحث خرد شدن اراضی به سبب حق وراثت یکی از عامل‌های دیگری است که زمین‌های خورد شده‌اند. به نظر من آنچه که باعث پایداری این نوع از معیشت شده است ناتوانی خانواده‌ها در گسترش کشاورزی و باغداری است» (کارشناس کشاورزی، مرد، ۳۹ ساله).

از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران کشاورزی استان یکی دیگر از نمادهای فعالیت‌های کشاورزی به‌روشنی سنتی و بر مدار معیشتی، سیطره کشت محصولاتی همچون گندم و جو و فعالیت‌های باغداری نه چندان اقتصادی استان است:

«به جرأت می‌توانم بگویم که کشت قالب در استان هنوز به صورت سنتی است. ما با وجود دشت‌های حاصلخیز و کوهپایه‌های حاصلخیز در استان کشاورزی و باغداری را که داریم درآمدزا نیست. یعنی این نوع غالب از کشاورزی به صورت معیشتی می‌باشد. اراضی خرد هستند، در مناطق غرب استان که بتوانیم کشاورزی و باغداری داشته باشیم به دلیل اینکه اراضی در بالادست قرار دارند و منابع آب در پایین دست هستند ما با مشکل تأمین آب مواجه هستیم اما در شرق استان که دشتهای بزرگی را داریم و برای زراعت بسیار مناسب هستند متأسفانه با کمبود آب مواجه هستیم. بنابراین این عدم زیرساخت‌ها و ناتوانی در تأمین آب در این دو منطقه استان از نظر کشاورزی و باغداری غنی هستند ما مهمترین چالش را داریم که مربوط به تأمین آب است. دیگر موانع در این زمینه می‌توان به نبوده سرمایه‌گذاری، کشاورزی سنتی و معیشتی و نبود امکانات و ماشین‌آلات جدید و الگوهای کشت جدید است که متأسفانه باعث شده است ما در همان موقعیت قبلی خودمون که اقتصاد و کشاورزی معیشتی و سنتی را داشتیم، بمانیم» (کارشناس کشاورزی، مرد، ۴۳ ساله).

مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که بر اساس آمارهای موجود کشت محصولات زراعی بر کشاورزی استان غلبه دارد که به صورت سنتی هنوز باقی‌مانده است. آنان ابراز می‌دارند که کشت‌های نوین و حتی روش‌های نوین آبیاری در میان کشاورزان و فعالیت‌های کشاورزی استان جایگاه چندانی ندارد:

«با توجه به اینکه کشاورزی در سطح دنیا هر روز داره بیشتر پیشرفت میکنه و ما با فناوری و شیوه‌های نوین آبیاری و کشاورزی طرف هستیم اما در ایران آن و خاص در استان کردستان ما همچنان شاهد کشاورزی معیشتی و سنتی هستیم متأسفانه در چند سال اخیر به دلیل شیوه‌های سنتی آبیاری هدر رفت را زیاد داشتیم. متأسفانه به دلیل الگوی غالب کشاورزی سنتی مردم آشنایی چندانی با شیوه‌های نوین و فناوری و ماشین‌آلات مکانیزه ندارند. دلیل ناتوانی و فقر خانواده‌ها همچنان این نوع معیشت حاکم است. آشنایی چندانی با تولید محصولاته صورت مکانیزه ندارند. شیوه‌های آبیاری مانند قبلاً جوی آب و آبیاری سنتی است. کشاورزی به صورت حرفه‌ای انجام نمی‌شود در زمان خودش سم پاشی و کود و غیره انجام نمی‌شود وقتی که آفتی به مثلاً محصول گندم زده شود آنها به دلیل آنکه با ذهنیت سنتی با این قضیه مواجه می‌شوند ناتوان از حل آفت زدایی هستند. متأسفانه هر سال ما می‌بینیم که چند درصد از محصولات کشاورزان در استان به همین دلایل از بین می‌رود. به نظر من باید هر چه زودتر به سوی کشاورزی مکانیزه و ساعتی پیش برویم و شیوه‌های نوین آبیاری و الگوهای کشت صحیح را را به اجرا درآوریم» (فعال مدنی، مرد، ۳۶ ساله).

مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که امروزه اکثر کشاورزان به‌صورت سنتی کشاورزی می‌کنند که همین باعث بهره‌وری پایین می‌شود. آن‌ها بر این باورند که آبیاری به روش‌های قدیمی و سنتی دیگر جایگاهی در کشاورزی امروزی ندارد و باعث هدررفت زیاد آب می‌شود. این درحالی است که اکثر کشاورزان استان به جای استفاده از سیستم‌های آبیاری نوین از همین روش‌های سنتی استفاده می‌کنند. مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهند که از مشکلات اصلی

فعالیت‌های سنتی و معیشتی در استان کردستان عبارتند از: خرد بودن و یکپارچه نبودن اراضی کشاورزی و تأثیر منفی آثار مقیاس تولید، سرمایه‌گذاری بسیار اندک، کسری تراز تجاری محصولات کشاورزی و واردات، بازار و بازاریابی محصولات و پایین بودن بهره‌وری نهاده‌ها و عوامل تولید و بالا بودن میزان ضایعات کشاورزی.

### شرایط ساختاری توسعه نیافتگی

عوامل ساختاری دربرگیرنده‌ی مقولاتی است که به صورت مستقیم بر بازتولید توسعه نیافتگی کشاورزی استان تأثیرگذار بوده است. از این عوامل یا شرایط برخی از اوقات شرایط عوامل پیشگام یا مقدم نیز نام برده می‌شود. عوامل علی پدیده‌ی مورد نظر "ضعف مدیریتی و همکاری‌های بین‌سازمانی" است. درواقع ضعف مدیریت و فقدان همکاری‌های بین‌سازمانی یکی از جدی‌ترین موانع توسعه در تمامی حوزه‌های اداری کشور است. به باور مصاحبه‌شوندگان این موضوع در میان حوزه‌های کشاورزی به شدت نمایان است. آن‌ها معتقدند که یکی از دلایل ضعف مدیریتی در جهاد کشاورزی به دلیل وجود سیاست‌های متناقض و کوتاه‌مدت نهادهای دولتی است. درواقع، سیاست‌های و دستورالعمل‌های وزارت جهاد کشاورزی از یک رویه مداوم و بلندمدت پیروی نمی‌کند و در هر دوره با تغییر مسئولین وزارتخانه‌ها سیاست‌هایی اخذ و ابلاغ می‌شود که با برنامه‌ها و دستورالعمل‌های موجود متناقض و ناسازگارند:

«به نظر من خود سازمان جهاد کشاورزی هم بسیار مقصر است راهبردها و سیاست‌های اجرایی سازمان به شدت به شکل دستورعملی بوده و راهکارها همیشه کلی هست. با توجه به ظرفیت‌های استان این راهکارها و سیاست‌ها نمی‌تواند مؤثر باشند. روندهای بروکراسی و عدم نظارت بر اجرای پروژه‌ها، کمبود سرمایه‌گذاری، کمبود زیرساخت‌های لازم به ویژه صنایع تبدیلی و بسته‌بندی و دیر انجام دادن طرح‌های پیشران در استان و همچنین نبود آموزش‌های منسجم و مداوم باعث شدند که در این زمینه با موانع اساسی سر و کار داشته باشیم. ما می‌بینیم در بسیاری از جاها حتی خود سازمان مانع تراشی می‌کند» (کارشناس کشاورزی، مرد، ۵۵ ساله).

همچنین، فقدان همکاری‌های بین‌سازمانی و ذی‌مدخل در توسعه کشاورزی استان از دیگر موانع پیشبرد اهداف، برنامه‌ها و طرح‌های پیشران حوزه‌های کشاورزی در استان است. به عبارت دیگر، مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تأکید دارند که تضاد منافع سازمان‌های مختلف درگیر توسعه کشاورزی استان، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های ناهماهنگ و گاه متناقض میان آن‌ها سبب شده است که بسیاری از طرح‌های کشاورزی استان کردستان از همان ابتدا دچار شکست و با موانع جدی روبرو شوند:

«یکی از چالش‌های اساسی در بخش کشاورزی تداخلات سازمان‌ها و ادارات مربوطه است. همچنین نبود همکاری‌های منسجم و مداوم در بین ادارات باعث شده ناهماهنگی‌هایی صورت گیرد. نهادهای درگیر در بحث کشاورزی دامداری و باغداری زیاد هستند و چون که این نهادها هر یک به بخشی از این حوزه‌ها مربوط می‌شوند در امورات کشاورزی دامداری و باغداری دخالت دارند. نبود برنامه منسجم و مطالعات از پیش موجود در مورد وضعیت طرح‌ها و همچنین این نبوده کارگروه ویژه از بین ادارات برای طرح‌های اجرایی باعث شده است که هر یک از این ادارات و نهادها مستقل عمل کنند از سوی دیگر با توجه به آن که هر یک از این نهادها منافی را در اجرای پروژه‌ها و طرح‌های خود دارند با منابع نهادها و ادارات دیگر ناسازگارند» (نخبه دانشگاهی، مرد، ۴۷ ساله).

برای مثال، توسعه کشت آبی، افزایش مجتمع‌های شیلات و آبریان در استان نیازمند تخصص آب از سوی آب منطقه‌ای و یا حفر چاه‌های عمیق است، درحالی که بنا بر سیاست‌گذاری‌های مدیریت منابع آب‌های زیرزمینی در استان امکان این تخصیص از بخش کشاورزی گرفته شده است:

«ما در بخش کشاورزی با یکی از چالش‌های مهم یعنی تأمین آب مواجه هستیم. از یک سو اراضی مرغوب و غنی در بالادست مناطق قرار دارند و به دلیل حوضه آبریز استان منابع آبی در پایین دست مناطق قرار دارند. از سوی دیگر با چالش مهم دیگر تخصیص آب به کشاورزی در استان مواجه هستیم. استفاده از آب سدها برای بسیاری از مناطق استان در ذیل طرح‌های توسعه باغات و کشاورزی در حال انجام است اما متأسفانه در در مواردی که اراضی خوب داریم این آب به آنها تخصیص داده نشده است و همچنین اداره آب منطقه‌ای از تخصیص آب به کشاورزی به صورت چاه ممانعت به میان می‌آورد» (کارشناس کشاورزی، زن، ۴۱ ساله).

برنامه‌های کوتاه‌مدت و متناقض به باور کارشناسان آسیب‌هایی را در زمینه مدیریتی به وجود آورده است و دارای پیامدهایی جدی در این زمینه بوده‌اند که مهمترین چالش‌های مدیریتی و ساختاری بخش توسعه‌ی کشاورزی استان هستند.

### عوامل مداخله‌گر توسعه نیافتگی

عوامل مداخله‌گر به آن دسته از عوامل اطلاق می‌شود که با مداخله در شرایط زمینه‌ای و تشدید عوامل علی در شکل‌گیری پدیده محوری (در اینجا توسعه نیافتگی بخش کشاورزی) نقش ایفا می‌کنند. این عوامل عبارتند از «ضعف آموزش و فعالیت‌های ترویجی» و «مسئله تسهیلات بانکی و سرمایه‌گذاری». کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی بر اهمیت مسئله آموزش و فعالیت‌های ترویجی در میان کشاورزان استان کردستان تأکید فراوانی داشتند:

«آموزش‌های ترویجی و فرهنگ‌سازی در بخش کشاورزی و باغداری یکی از اهداف اساسی سازمان جهاد کشاورزی استان بوده است. این آموزش‌ها می‌تواند دستمایه بسیاری از توانمندسازی‌ها در زمینه گسترش و توسعه شیوه‌های نوین آبیاری کشاورزی هرس کردن، زراعت الگوی کشت و غیره باشد. ما در سازمان با توجه به وظیفه خود همواره سعی کردیم در قالب کارگاه‌های آموزشی و فرستادن کارشناسان به اراضی کشاورزی و روستاها این کار را انجام دهیم. اما متأسفانه در چند سال اخیر با کمبود بودجه مواجه هستیم و همچنین نبود زیرساخت‌های توسعه در بخش کشاورزی و باغداری و دامداری باعث شده است که این آموزش‌ها جوابگویی وضعیت موجود نباشند» (کارشناس کشاورزی، مرد، ۴۵ ساله).

به باور مصاحبه‌شوندگان اگرچه سازمان جهاد کشاورزی تلاش‌های قابل توجهی در جهت نهادینه کردن مسئله ترویج به‌ویژه در میان کشاورزان روستایی نموده است، اما فعالیت‌های آن‌ها به دلیل عدم تناسب با ساختار محلی جامعه‌ای که در آن به فعالیت‌های ترویجی می‌پردازند و همچنین عدم توجه به دانش بومی کشاورزان و تلاش در راستای ارتقای هماهنگی این دانش بومی با روش‌ها و دانش نوین حوزه کشاورزی دستاوردهای مثبتی نداشته است. با این همه، مصاحبه‌شوندگان به‌رغم تأکید بر حجم کمی و عددی کارگزاران و تسهیلات‌گران و مددکاران حوزه ترویج بر این باورند که به لحاظ کیفی نتایج مطلوبی به بار نیامده است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند دلیل این مسئله ناکارآمدی کارشناسان موجود در طرح پهنه‌بندی با هدف افزایش ضریب نفوذ دانش فنی در بین کشاورزان، عملیاتی نکردن قوانین و مقررات مربوط به آموزش کشاورزان و تقویت کشاورزی پایدار، کاهش مصرف سم و کود و بهره‌گیری از مواد ارگانیک و نگرش سنتی و غیرعلمی مسئولین و کارشناسان بخش کشاورزی و باغداری و زراعت می‌باشد:

«به نظر من کشاورزی ما باید به سوی کشاورزی مکانیزه و کاملاً ارگانیک پیش برود، یعنی از مقدار سم و کود در استفاده کشاورزی کم شود. ما به شیوه‌های نوین آبیاری دسترسی پیدا کنیم صنایع و ابزارآلات و

ماشین آلات به‌روز و جدیدی را بیاوریم و همچنین با کمک مددکاران و کارشناسان حرفه‌ای در این زمینه کشاورزان را به شیوه‌های نوین زراعت سوق بدهیم. متأسفانه اینجا هم مدیران و هم کارشناسان با همین نگاه سنتی و سابق دارند به کشاورزی نگاه می‌کنند. برنامه‌هایی هم که اتخاذ می‌شود بر طبق همان برنامه‌هایی است که قبلاً ارائه شده است. اما می‌بینیم که در سطح دنیا کشاورزی چقدر پیشرفت کرده است و با چه شیوه‌های نوینی کشاورزی را انجام می‌دهند» (فعال حوزه تعاونی‌های کشاورزی، مرد، ۳۹ ساله).

به دلیل ضعف استان کردستان در زمینه تخصیص بودجه‌های توسعه‌ای به‌ویژه در بخش کشاورزی، تسهیلات بانکی و جذب سرمایه‌های بخش خصوصی یکی از گزینه‌های اصلی تأمین اعتبارات فعالیت‌های این بخش است. به باور مصاحبه‌شوندگان وجود موانع بسیار، بروکراسی اداری، کارشکنی بانک‌ها در ارائه تسهیلات کلان و خرد، مسئله تضامین بانکی به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران و همچنین متقاضیان تسهیلات بانکی برای انواع فعالیت‌های زیربخش کشاورزی از جمله موانع اصلی عدم رشد و توسعه حوزه‌های کشاورزی استان کردستان است:

«یکی از مشکلات اساسی ما در بخش کشاورزی کمبود اعتبار و بودجه است. متأسفانه در این زمینه بانک‌ها با ما زیاد همکاری ندارند. حتی بانک جهاد کشاورزی که متولی این قضیه است دارد کارشکنی می‌کند و با توجه به روند صعودی تورم در ایران و افزایش قیمت‌ها و همچنین ریسک بسیار بالای سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی با بازدهی دیرنگام با کاهش سرمایه‌گذاری و کمبود اعتبار مواجه هستیم. کشاورزان و سرمایه‌گذارانی که خواسته‌اند در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند با معرفی ما به بانک اقدام به این کار کردند اما متأسفانه نه بانک‌ها به دلیل سود ناکافی برای آنها یا هر چیز دیگری کارشکنی می‌کنند» (کارشناس کشاورزی، زن، ۳۸ ساله).

مصاحبه‌شوندگان عنوان می‌کنند که برای ایجاد صنایع تبدیلی نیاز به سرمایه هست و این سرمایه یا باید توسط کشاورزان و یا توسط بخش خصوصی تأمین شود که کشاورزان از لحاظ تأمین سرمایه ضعیف‌اند و از طرفی هم بانک‌ها به عنوان یکی از منابع تأمین نقدینگی، در پرداخت تسهیلات سازوکارهای سختی را فراروی کشاورزان قرار می‌دهند و در نتیجه طرح‌های تولیدی راه‌اندازی نمی‌شود. مصاحبه‌شوندگان معتقدند در زمینه جذب سرمایه‌های بخش خصوصی نیز عملکرد استان وضعیت قابل قبولی ندارد:

«به دلیل اینکه ما کشاورزی معیشتی و سنتی را داریم و از طرف دیگر با فقر در استان مواجه هستیم، حجم سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه خیلی کم است، بنابراین توسعه چندان‌ی را شاهد نیستیم. از سوی دیگر ما احتمالاً با کارشکنی بانک‌ها مواجه هستیم که به کشاورزان وام نمی‌دهند» (نخبه دانشگاهی، مرد، ۵۱ ساله).

همچنین، کارآفرینان بخش کشاورزی استان عمدتاً نیازمند تسهیلات بانکی هستند و سازوکارهای اداری نادرست ارائه تسهیلات آن‌ها را نسبت به فعالیت‌های تولیدی دچار بی‌رغبتی کرده است:

«با وجود نخبگان و فعالان و کارشناسان بومی در زمینه اشتغالزایی و کارآفرینی در زمینه کشاورزی دامداری و باغداری و همچنین پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود در این زمینه اما متأسفانه به دلیل نبود اعتبارات لازم تسهیلات وام‌های کم‌بهره و کارشکنی بانک‌ها و همچنین روند اداری و بروکراسی دست‌وپاگیر، کارآفرینی و اشتغالزایی در این زمینه هم دچار مشکل است. به نظر من در بحث کارآفرینی در زمینه کشاورزی باید به ایده‌های نو و جدید بیشتر توجه کنیم که متأسفانه ادارات ما این رویه را در پیش نمی‌گیرند» (کارشناس کشاورزی، زن، ۴۰ ساله).

بدنه اقتصاد کشاورزی استان کردستان از ضعف سرمایه‌گذاری و تسهیلات و تأمین اعتبارات در هر دو بخش دولتی و خصوصی رنج می‌برد و بسیاری از طرح‌های جامع و پیشران که می‌توانند زمینه توسعه کشاورزی استان، تقویت زیرساخت‌های کشاورزی، افزایش صنایع تبدیلی و تکمیلی و بازاریابی را فراهم نمایند به دلیل عدم تأمین اعتبارات لازم از صندوق‌های توسعه کشور و عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت در این زمینه، با موانع جدی مواجه شده‌اند.

### پیامدهای توسعه‌نیافتگی

پیامدها در این مدل عبارتند از آن دسته از پیامدهایی که ناشی از شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر شکل‌دهنده پدیده محوری است. در این زمینه، پیامدهای توسعه‌نیافتگی بخش کشاورزی عبارتند از: «عدم توجه به صنایع تبدیلی و برندسازی محصولات» به عنوان عواملی که می‌توانند نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصاد کشاورزی بازی نمایند. به باور مصاحبه‌شوندگان با وجود ظرفیت‌های فراوان، بیشترین درصد محصولات کشاورزی تولیدشده در کردستان به صورت خام‌فروشی از استان خارج می‌شود و به دلیل اینکه محصول تولیدی کشاورزان بیشتر از چند روز نمی‌تواند در انبار دوام بیاورد و احتمال خراب‌شدن آن بالاست، با قیمت بسیار پایین آن را به دست فروشندگان بازار می‌رسانند. این در حالی است ارزش‌افزوده‌ای که در صنعت فرآوری و بسته‌بندی وجود دارد بسیار بیشتر از سودی است که در فروش خام به دست می‌آید:

«به دلیل نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی در استان، کشاورزان مجبور محصولات خام خود را به سایر جاها بفرستند، چون روی دستشون می‌ماند و بازار فروشی برای آن دارند. از سوی دیگر با موانع جدی در زمینه صادرات محصولات کشاورزی و لبنی مواجه هستیم. کشاورزی در استان به سوی یک روندی پیش نرفته است که بتوان از آن به سود توسعه بهره برد. به نظر من در این زمینه چون که صنایع تبدیلی و بسته‌بندی وجود ندارد ما با مشکلات زیادی طرف هستیم. ما چند سردخانه در استان داریم که به نظر کافی نیست، صنایع تبدیلی نداریم، همچنین صنایع بسته‌بندی هم به شیوه‌ای درخور وجود ندارد. بنابراین بسیاری از محصولات به صورت خام باید فروخته شود، یعنی اینکه ارزش افزوده محصولات بسیار ناچیز است و همین امر هم باعث شده است که کشاورزی سودده نباشد و کشاورزی معیشتی همچنان ادامه داشته باشد» (نخبه دانشگاهی، مرد، ۴۴ ساله).

مصاحبه‌شوندگان معتقدند که وضعیت موجود صنایع تبدیلی و تکمیلی استان به هیچ وجه تناسبی با حجم تولیدات کشاورزی و دیگر فعالیت‌های این حوزه ندارد و این مسئله یکی از جدی‌ترین موانع تبدیل شدن کشاورزی استان به یک کشاورزی اقتصادی و پایدار است:

«با وجود دشت‌های حاصلخیز و همچنین وجود کشاورزی پررونق در مناطق شرق استان و باغداری در غرب استان، محصولات کشاورزی که تولید می‌شود زیاد است، اما به دلیل نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی به صورت خام فروخته خواهد شد و کشاورزان هم سود چندانی نمی‌برند به نظر من از یک سو باید به سمت کشاورزی پیشرفته و مکانیزه حرکت کنیم و از طرف دیگر باید آن را صنعتی کنیم. متأسفانه بدون توجه به این موارد و عدم تخصیص صنایع تبدیلی و بسته‌بندی در استان و عدم همکاری نهادها و ادارات و سرمایه‌گذاران در این زمینه شاهد هستیم که بسیاری از محصولات ضایعات و فاسد شوند و نمی‌توانیم آنها را به بازار فروش برسانیم. چیزی که در استان‌های دیگر ما آن را نمی‌بینیم» (نخبه دانشگاهی، زن، ۴۰ ساله).

همچنین مصاحبه‌شوندگان تأکید دارند که نبود صنایع بسته‌بندی را یکی از دلایل عدم توان رقابتی کشاورزان و فعالین کشاورزی استان در بازارهای جهانی است:

«متأسفانه نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی در استان یکی از چالش‌های اساسی در کشاورزی ما محسوب می‌شود. به نظر من آنچه که اینجا در این موقعیت برای ما لازم و ضروری است اقدامات جدی در زمینه ایجاد کارگاه‌ها و مراکز صنعتی برای تبدیل و بسته‌بندی محصولات هست. تا بتوانیم آنها را صادر کنیم ما یک موقعیت بسیار مناسبی برای صادرات در استان داریم همچنین می‌توانیم بسیاری از محصولات کشاورزی خودمان را به مرکز یعنی به تهران بفرستیم و از این طریق ارزش افزوده زیادی هم جذب کنیم» (فعال حوزه تعاونی‌های کشاورزی، مرد، ۴۵ ساله).

مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که استان کردستان در تولید بعضی از محصولات کشاورزی، فرآورده‌های دامی و طیور و شیلات و آبزیان پتانسیل‌های فراوانی جهت برندسازی دارد اما در فقدان زیرساخت‌های مورد نیاز و نگرش معیشتی و سنتی به فعالیت‌های کشاورزی هنوز نتوانسته است جایگاه واقعی خود را به دست بیاورد:

«یکی از حلقه‌های مفقوده تجاری‌سازی کشاورزی به نظر بنده این است که ما هنوز به جایی نرسیده‌ایم که بتوانیم برندسازی کنیم، یعنی اینکه محصولات کشاورزی خودمان را به عنوان یک برند در جهان بفروشیم و از این طریق درآمد کسب کنیم. به نظر من لازم است که مثلاً محصولاتی مانند توت‌فرنگی، سیب‌زمینی، گردو و بادام را به یک برند جهانی و کشوری تبدیل کنیم توان این را داریم که محصولات مونرو به بازارهای جهان بفرستیم. ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری‌های زیادی در عرصه کشاورزی را داشته باشیم و از این طریق توسعه پیدا کنیم به نظر من توسعه استان در گرو توسعه بخش کشاورزی است. اما متأسفانه نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی این امر را سخت کرده است» (فعال حوزه تعاونی‌های کشاورزی، مرد، ۴۰ ساله).

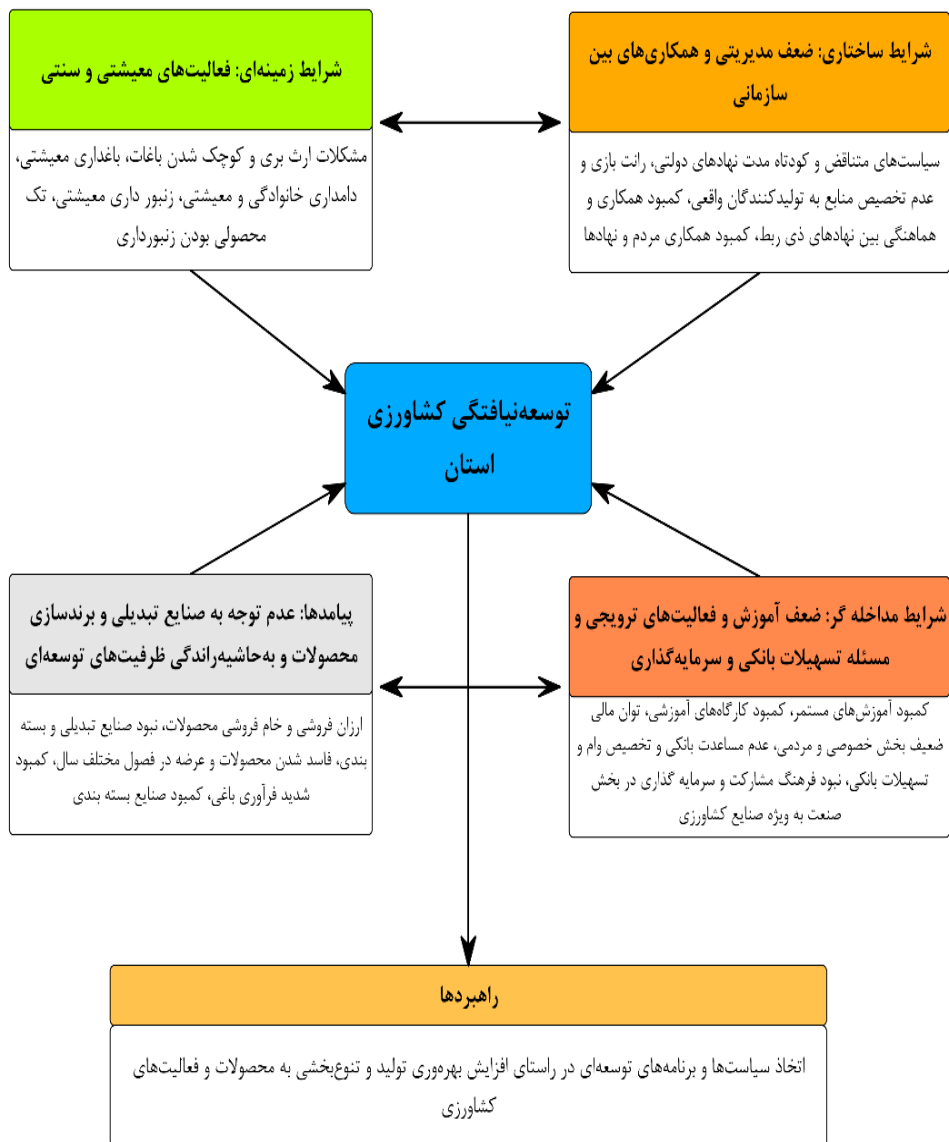
مصاحبه‌شوندگان تأکید دارند که در صورت تغییر نگرش و صادرات محصولات بر محور خام‌فروشی به تلاش در راستای فرآوری محصولات، بسته‌بندی و برندسازی آن‌ها سهم کشاورزی استان در زنجیره ارزش غذایی کشور و همچنین در تولید ارزش افزوده بخش کشاورزی دوچندان خواهد شد:

«به نظر من ما پتانسیل‌های بالا و ظرفیت‌های بالایی که در زمینه توسعه کشاورزی و باغداری و دامداری در استان داریم اما از حداکثر توان و ظرفیت در این زمینه برای سود و بازار و تجاری‌سازی محصولات استفاده نکرده‌ایم. نبود دیدگاه جدید و تجاری به مسئله کشاورزی و نبود چشم‌اندازهای توسعه در زمینه توسعه کشاورزی تجاری و اقتصاد کشاورزی منجر شده است که ما دیدمان به نسبت کشاورزی همون دید کشاورزی معیشتی باقی بماند. حالا شما در نظر بگیرید که با وجود خیلی از برنامه‌ها و پژوهش‌ها و کارها و طرح‌هایی که انجام شده است هنوز ما در این زمینه خیلی عقب هستیم. به نظر من تا زمانی که به این سمت و سو حرکت نکنیم نمی‌توانیم با توسعه کشاورزی روبرو شویم» (کارشناس کشاورزی، مرد، ۴۰ ساله).

مصاحبه‌شوندگان معتقدند برای رسیدن به این مهم بایستی سیستم حمل‌ونقل ریلی و ترانزیتی، پایانه‌های صادراتی مجهز به سردخانه را توسعه داد، چراکه برنامه‌ریزی در امر صادرات می‌تواند به رونق بخشی تولید کمک شایانی کند. همچنین بایستی در راستای سورتینگ، بسته‌بندی و برندسازی محصولات کشاورزی، بخش خصوصی با همت مضاعف وارد بازار شود و محصولات تولیدی بخش کشاورزی استان از جمله گردو، توت درختی، انگور دیم و توت‌فرنگی را که دارای کیفیت مناسب، سالم و ارگانیک هستند، فرآوری و در چرخه بازارهای مطمئن صادرات قرار دهد. این مهم در راستای پویایی و حرکت موتور تولید می‌تواند بسیار کارساز و تاثیرگذار باشد:

«ببینید ظرفیتها و پتانسیل‌های ما در بخش کشاورزی زیاد هست اما متأسفانه با چالش‌های اساسی مواجه است. به نظر من صادرات یکی از مهمترین راهکارها است که با توجه به نزدیکی به کردستان عراق امکان توسعه کشاورزی وجود دارد. باید زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل را هم به این موارد اضافه کنیم» (کارشناس کشاورزی، مرد، ۴۰ ساله).

بنابراین، وجود این موانع بازنگری در مدیریت و سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای در بخش کشاورزی استان را به یک امر ضروری تبدیل کرده است.



شکل ۱. مدل پارادایمیک توسعه نیافتگی کشاورزی استان کردستان

## بحث و نتیجه گیری



مدل پارادایمیک توسعه نیافتگی کشاورزی استان کردستان اصلی ترین دستاورد این پژوهش است. بر اساس این مدل، توسعه نیافتگی کشاورزی استان ناشی از ارتباط مستقیم و دوسویه میان شرایط زمینه‌ای (یعنی فعالیت‌های معیشتی و سنتی) و شرایط ساختاری (ضعف مدیریتی و همکاری‌های بین‌سازمانی) است. به عبارتی توسعه نیافتگی کشاورزی استان ناشی از ارتباط مستقیم میان فعالیت‌های معیشتی و سنتی با فعالیت‌های مدرن و همچنین عدم توجه به ظرفیت‌های کشاورزی استان و عدم هماهنگی سازمان‌های متولی توسعه است. زمینه‌های توسعه نیافتگی کشاورزی را باید در عواملی همچون مشکلات ارث‌بری و کوچک‌شدن باغات و باغداری معیشتی جستجو کرد. به این وضعیت باید سیاست‌های متناقض و کوتاه‌مدت نهادهای دولتی، رانت و عدم تخصیص منابع به تولیدکنندگان واقعی، کمبود همکاری و هماهنگی بین نهادهای ذیربط و کمبود همکاری مردم و نهادها را به عنوان شرایط ساختاری اضافه کرد. از طرفی نیز ما با مسائلی همچون کمبود آموزش‌های مستمر، کمبود کارگاه‌های آموزشی، توان مالی ضعیف بخش خصوصی و مردمی، عدم مساعدت بانکی و تخصیص وام و تسهیلات بانکی، نبود فرهنگ مشارکت و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به ویژه صنایع کشاورزی مواجه هستیم که به عنوان عوامل مداخله‌گر نقش مهمی در فرایند توسعه نیافتگی در حوزه‌ی کشاورزی ایفا می‌کنند. پیامدهای این وضعیت عدم توجه به صنایع تبدیلی و برندسازی محصولات و به حاشیه‌راندگی ظرفیت‌های توسعه‌ای بوده‌اند؛ به عبارتی دیگر ارزان‌فروشی و خام‌فروشی محصولات، نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی، فاسدشدن محصولات و عرضه در فصول مختلف سال و کمبود شدید فرآوری باغی مهمترین پیامدهای موردشناسایی در مدل به دست آمده هستند. بنابراین مهمترین راهبردهایی که می‌توانند این فرایند توسعه نیافتگی را در وهله‌ی اول متوقف و فرایند توسعه یافتگی را تسهیل کنند اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در راستای افزایش بهره‌وری تولید و تنوع بخشی به محصولات و فعالیت‌های کشاورزی خواهند بود.

با توجه به مواردی که به آن پرداخته شد، وضعیت توسعه کشاورزی استان کردستان نیازمند برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های ویژه‌ای در راستای تحرک بخشی و توسعه ظرفیت‌های آن است. با این وجود، آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد توسعه فرآوری محصولات دارای مزیت نسبی، افزایش بهره‌وری و اجرای طرح‌های زیرساختی همچون صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی است. اما هیچ توسعه‌ای بدون داشتن چشم‌انداز و سیاست‌گذاری‌های مدون و بلندمدت امکانپذیر نیست. از این رو، توسعه کشاورزی استان کردستان را باید در چشم‌اندازهای بلندمدت توسعه کشاورزی آن ترسیم کرد. این چشم‌اندازها و پیشنهادات در جدول شماره ۲ آمده‌اند.

جدول ۴. سیمای کلی چشم‌اندازها، برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای کشاورزی استان کردستان

پیشنهادات	چشم‌انداز
ایجاد سایت آموزشی (باغداری، زراعت و...) در راستای فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و ارتقاء سطح علمی فعالان این بخش	تنوع بخشی به اقتصاد کشاورزی استان
آموزش باغداران و آشنایی آن‌ها با کشت و به عمل آوری محصولات باغی مزیت‌دار	
ایجاد تغییر در نگرش مجریان و مسئولین بخش کشاورزی از طریق تزریق متخصصین با دانش اقتصاد و بازاریابی و مدیریت کشاورزی به مجموعه سازمان جهاد کشاورزی، تهیه بسته‌های مختلف آموزش برای روستاییان و کشاورزان.	
ایجاد مزیت رقابتی در تولیدات بخش کشاورزی	
جلوگیری از مغلوب شدن بخش کشاورزی استان توسط استان‌های برخوردارتر مجاور استان مانند استان‌های آذربایجان غربی و شرقی و همدان گردد.	
توسعه صنعت دامپروری به عنوان یک صنعت کاملاً اشتغال‌زا در ایجاد کارخانه‌های زنجیره‌ای	
تأمین منابع لازم جهت توسعه دامداری‌های صنعتی و نیمه صنعتی در استان و کمک جهت ارتقاء بهره‌وری در دامداری‌های سنتی.	
افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در زمینه شیلات استان	
ساماندهی بحث گردشگری و آبی‌پروری در استان	

ارائه طرح‌های جامع پیشران کشاورزی استان و تلاش در راستای جلب و مشارکت بخش خصوصی	افزایش بهره‌وری منابع و عوامل تولید کشاورزی
تأسیس و ایجاد تشکل‌های محلی و منطقه‌ای کارآمد متشکل از تولید کنندگان، صاحبان صنایع تبدیلی و تکمیلی و فعالان امر تجارت و...	
شناسایی محصولات مزیت دار در استان و عرضه بهینه آنها در بازارهای داخلی و خارجی است.	
ایجاد و استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی	
توسعه شرکتهای مکانیزاسیون و کاهش هزینه‌های تولید ناشی از بلااستفاده ماندن ظرفیت بالای ادوات کشاورزی موجود	
شناسایی موانع، مشکلات و تنگناها و راهکارهای بهبود و اصلاح فرآیند تولید، نگهداری، درجه بندی، بسته‌بندی و فرآوری، بازار (داخلی و خارجی) و چگونگی عرضه محصولات و فرآورده‌های آن در بازارهای هدف.	
توجه به ظرفیت‌های صادرات محصولات استان کردستان از جمله محصولات و فرآورده‌های باغی، زراعی، دام و طیور.	
برندسازی محصولات و بسته‌بندی و تسهیل امور صادرات	
توجه به زیرساخت‌های ارتباطی، تولیدی و به‌ویژه فعالیت‌های مکمل و پشتیبان توسعه امور دام از جمله وجود زیرساخت‌هایی همچون صنایع تبدیلی و تکمیلی، کشتارگاه، افزایش ضریب نفوذ خدمات دامپزشکی به‌ویژه در سطح بخش و دهستان	
تسهیلات بانکی و جذب اعتبارات دولتی	

## References

- Alizadeh, M. A., Ahmad Reza. (2010). The Role of Private and State Transfer Capital in the Development of Agricultural Sector in 2025 perspective. *National Agricultural Share and Natural Resources in the Development of the Islamic Republic of Iran in 2025 perspective., 1* . (In Persian).
- AVKP. (2019). Agricultural view of Kurdistan province . (In Persian).
- Azizi, s., abdi, a., & rad, m. k. (2015). The Role of Border Markets in National Convergence (case study: Siran Band border market of Baneh). *Journal of Border Studies, 3*(7), 5. (In Persian).
- Bacsi, Z., & Kovács, E. (2006). The role of cross-border cooperation in rural development-a new European perspective. *Journal of Central European Agriculture, 7*(3), 485-488 .
- Casey, D. (1999). Community Development in the Third World: Walking a Fine Line. *Development in Practice, 4*61-467.
- Crocker, D. A., & Kaufman, A. (2006). Capabilities Equality: Basic Issues and Problems .
- Daneshmehr, H., & al., e. (2020). Border development and the disappearance of capacities and opportunities of border communities, emphasizing the critique of border markets (Case study; Nanor border bazaars of Baneh, Khav and Mirabad counties of Marivan city). *Welfare and Social Development Planning, 11*, 43 .(In Persian).
- Daneshmehr, H., & al., E. (2022). Contextual Analysis of the Failure of Cooperative Functions of Border Dwellers in Kurdistan Province in the Context of Informal Border Economy. *Community Development (Rural and Urban Communities), 14*(1), 205-232 . (In Persian).
- Ebrahimpour, S. (2000). *Ranking of Iranian Provinces on the Basis of Human Development Persons in 1996 and Social Loom*. (M. A), Yazd. (In Persian).
- Fallah Haghghi & et al. (2022). Analysis the Trend of Changes in Agricultural Development among Provinces %J Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research. *53*(3), 723-737. doi:10.22059/ijaedr.2021.331372.669086. (In Persian).
- Flick ,U. (2022). An introduction to qualitative research. *An introduction to qualitative research, 1*-100 .

Ghaderzadeh, H., & et al (2015). Measuring the level of development of the cities of Kurdistan province using the main indicators of the agricultural sector. *Journal of Agricultural economics and development*, 1(25), 1-23. (In Persian).

Griffin, K. (1999). *Alternative strategies for economic development*: Springer.

Hajineszhad, A., & Ahmady, A. (2011). The Economical Effect of Trade Tourism on Urban Areas; case study: Baneh City. *Journal of Urban Ecology Researches*, 1(2), 7-22 . (In Persian).

Jalaeipour, H., & Bayangani, B. (2017). Sociological Study of the Economic Consequences of the Market and Border Trade (Critical Ethnography of Baneh Border Market). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(4), 539-573 . (In Persian).

Khan, W., Jamshed, M., & Fatima, S. (2020). Contribution of agriculture in economic growth: A case study of West Bengal (India). *Journal of Public Affairs*, 20(2), e2031 .

Kheirollahi ,M., Alibaygi, A. H., & Rostami Ghobadi, F. (2022). Multifunctional Agricultural Development Strategies In Dehloran Township (Ilam province) %J Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research. 53(3), 583-602. (In Persian).

Mohammadpour, A. (2011). Qualitative research method (anti-method). *Tehran: Sociologists Publications*, 1392 . (In Persian).

Prasada, D. P. (2022). Agriculture and Economic development. In *Agricultural Policy Analysis: Concepts and Tools for Emerging Economies* (pp. 29-47): Springer.

PSRC. (2015). strategic problemology in Kurdistan province . (In Persian).

Rashidi, H. (2020). Development in Kurdistan: uneven development during identity changes. *Journal of Iranian social studies*, 13 (3), 57-80. (In Persian).

Rafeefar, J., & al., E. (2012). Theory and method in research of Indigenous knowledge and its role in the process of rural sustainable development. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 4(1), 19-38 . (In Persian).

Raza, S. A., Ali, Y., & Mehboob, F. (2012). Role of agriculture in economic growth of Pakistan .

Rohani & et al. (2021). Analysis of the effective factors on dimensions of sustainable agricultural development in Khorasan Razavi province, using seemingly unrelated regression equations %J Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research. 52(1), 33-52. doi:10.22059/ijaedr.2021.308780.668977. (In Persian).

Sadeghi Rad & et al. (2014). Survey of geotourism potentials of Kurdistan province as a new branch of aquatourism. *the first always national tourism, Dramad and Opportunity*, 1 . (In Persian).

Seifollahi, N., & Mohammadkhani, R. (2023). Identification of Barriers to Develop the Fruit Production Chains( Case Study of Orchards in Meshginshahr). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 36(4), 377-392. doi:10.22067/jead.2022.76629.1132. (In Persian).

Sen, A. (2003). Democracy and its global roots. *New Republic*, 28-35.

SPKP. (2019). Study Plan of Kurdistan Province. (In Persian).

Statistical Yearbook of Kurdistan Province (2015) and statistical calculations of researchers (In Persian).

Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research*: Sage publications.

Todaro, M. P. (1977). *Economic Development in the Third World: An introduction to problems and policies in a global perspective*: Pearson education.

Vargas, C. M. (2000). Community development and micro-enterprises: fostering sustainable development. *Sustainable Development*, 8(1), 11-26 .

Walker, D. L. r. (1982). Community Development Specialist. *Music Educators Journal*, 69(2), 69-69 .

# Investigating the Contexts, Causes, and Consequences of Underdevelopment in Kurdistan Province

## (A grounded theory in the field of agriculture)

### Objectives:

Iran, as a developing country, has faced challenges in achieving conventional economic growth and development objectives, and has experienced a shift towards significant negative factors during the course of planning and implementing economic programs. Extensive evidence suggests that the underdevelopment of peripheral and neighboring regions in Iran is a result of inappropriate and imbalanced development policies. Therefore, this research aims to address the central issue of identifying key factors and causes contributing to underdevelopment in border regions, specifically focusing on the Kurdistan province. The study examines the agricultural sector in Kurdistan province to explore critical areas and factors influencing the underdevelopment process.

### Methods:

This research draws on theories of socio-economic underdevelopment, local development, and grounded theory, along with agriculture-centered strategies emphasizing the Green Revolution. Contemporary development paradigms, particularly sustainable development, underscore the importance of locally-based and participatory approaches as strategies to combat underdevelopment. Participatory development approaches consider participation in development processes as a crucial variable for local development. In this study, development is defined as a multidimensional and time-oriented process aiming to empower and raise awareness in society by adopting context-specific approaches. The goal is to overcome barriers and enhance the quality of life through good governance and management that considers local development capacities, formulates policies, and implements them based on these capacities and advantages.

The research methodology employed is grounded theory. Data was collected through semi-structured interviews conducted with 17 experts, elites, activists, and officials in the agricultural sector of Kurdistan province. Thematic analysis was utilized to analyze the data and develop a conceptual model that illustrates the relationship between variables.

### Results:

The main outcome of this research is the paradigmatic model of agricultural underdevelopment in Kurdistan province. The model attributes agricultural underdevelopment to the direct and reciprocal relationship between traditional livelihood activities and modern activities, as well as the neglect of the province's agricultural capacities and inadequate coordination among responsible development organizations. Factors contributing to agricultural underdevelopment are found in areas such as inheritance laws, land fragmentation, and the traditional agricultural system. Additional intervening factors include inadequate continuous training, lack of educational and promotional workshops, weak financial capacity of the private and public sectors for investment in the agricultural field, stringent loan conditions, and a lack of participation and investment culture in the industrial sector, particularly agricultural and processing industries. Consequences of this situation include the neglect of agro-industrial transformation and branding of agricultural products in the province, absence of driving forces for sectoral development, and ultimately, marginalization of agricultural sector capacities in the provincial development process. Key strategies to overcome this situation involve the adoption of development policies and programs aimed at increasing productivity, diversifying agricultural products, and implementing activities.

### Discussion and Conclusion:

The development of agriculture in Kurdistan province necessitates specific programs and policies focused on mobilization and capacity development. Emphasizing the development of value-added processing for products with relative advantages, enhancing productivity, and implementing infrastructure projects such as agricultural processing and complementary industries are of primary importance. However, these objectives can only be achieved with a clear vision and coherent long-term policies.

**Keywords:** Kurdistan province, underdevelopment, local development, agriculture, grounded theory.